

## طرح تحول بزرگ اقتصادی دولت چه به سر ما خواهد آورد؟

جمعی از فعالین کارگری

بیست ششم تیر هشتاد و هفت

این روزها رئیس جمهور اسلامی در هر فرصتی از طرح تحول بزرگ اقتصادی می گوید. به قول خودشان می خواهند يك بسته کامل اقتصادی را در مقابل جامعه باز کنند. این يك "بسته پیشنهادی" نیست بلکه اجباری است. آش كشك خاله است. این بسته قرار است یارانه و گمرک و بانک و بیمه را هماهنگ کند به نحوی که سوده‌های کلان و نرخ رشد بالای اقتصادی برای نظام سرمایه داری در ایران و سرمایه گذاران خارجی تامین شود. در واقع، این "بسته اجباری" فقط دستپخت حکومت اسلامی نیست بلکه در چارچوب همان طرح های اقتصادی است که صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به کشورهای مختلف دیکته کرده اند و اجرای موثرشان شرط پذیرفته شدن در سازمان تجارت جهانی است. اگر می خواهید نتایج عملی این بسته را برای توده های مردم، برای کارگران و زحمتکشان جامعه ببینید کافیست نگاهی به وضعیت فلاکتبار و وخیم شمار زیادی از کشورهای آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی بیندازید. همین چند روز پیش بود که رهبر جدید کوبا، راول کاسترو به مردم آن کشور "مژده" داد: "باید منتظر رسیدن روزهایی سخت باشید." بله، ظاهراً در کوبا هم آش كشك خاله را بار کرده اند.

اما فرق دولت سرمایه دار در ایران اینست که از در راه بودن سختی ها حرف نمی زند. بر عکس، طرح ریاضت کشی اقتصادی و تشدید فشار بر مردم را با عباراتی چون "رفاه بیشتر برای قشرهای محروم" و "چشیدن طعم شیرین نعمات بیشتر از طرف مردم" معرفی می کند. در اینجا منحصرأ به بخش "هدفمند کردن یارانه ها" در این بسته اجباری می پردازیم. این عبارتی است که دولت سرمایه دار برای حذف یارانه ها به کار می برد. این کار را با حذف یارانه مواد سوختی شروع کرده اند و طی چندین ماهی که از این کار می گذرد، همه مردم (به ویژه کارگران و قشرهای پایینی جامعه) تاثیراتش را به شکل گرانی بیشتر و تورم بیسابقه، و فاصله هر چه بیشتر دخل از خرج، با پوست و گوشت خود احساس کرده اند. اگر یادتان باشد قبل از به اجرا گذاشتن طرح سهمیه بندی بنزین و حذف یارانه مواد سوختی، رئیس جمهور اسلامی و اقتصاددانان حکومتی ادعا می کردند که این طرح برای رفع بیعدالتی های اقتصادی است. می گفتند که می خواهند یارانه ناعادلانه ای که از طریق عرضه بنزین ارزان به پولدارهای جامعه که هر يك چند خودرو دارند داده می شود را حذف کنند. می گفتند که با این کار مشکل ترافیک و آلودگی هوا در شهرهای بزرگ تا حد زیادی بر طرف خواهد شد. می گفتند که مبالغ صرفه جویی شده از حذف یارانه و سهمیه بندی مواد سوختی را صرف قشرهای محروم خواهند کرد. باز هم اگر یادتان باشد، وقتی که صحبت از گران کردن بنزین (از ۸۰ تومان به ۱۰۰ تومان) بود همین رئیس جمهور در تلویزیون ظاهر شد و صاف صاف در چشم مردم نگاه کرد و گفت: من با بالا بردن قیمت بنزین مخالف بودم و نمی خواستم به مردم فشار بیاید! ولی کمی بعد از اجرای طرح سهمیه بندی که با گران شدن بنزین سهمیه ای (و البته عرضه سازمان یافته بنزین آزاد!) همراه بود، او بار دیگر به حرف آمد و گفت: همه که می بینیم بنزین عملاً

لیتری ۴۰۰ تومان شده است!! طوری این حرف را می زد انگار شخص خودش و طرح های اقتصادی حکومت اسلامی هیچ نقشی در این ۴ برابر شدن یکشبه قیمت بنزین نداشته است. انگار کاری است که ناخواسته و خودبخودی انجام گرفته و در موردش کاری هم نمی شود انجام داد. نتیجه فوری این اقدام عامدانه اقتصادی، جهش تورم و گرانی اوج یابنده و ادامه داری بود که امروز شاهدش هستیم. نه خیابان ها خلوت شد. نه مشکل ترافیک و آلودگی هوای شهرهای بزرگ حل شد. نه عدالت اقتصادی برقرار شد. نه خودروهای قشر ممتاز و فوق مرفه سرمایه داران حکومتی و شریک حکومت از حرکت افتاد و در گاراژ ماند.

حالا کاری که از بنزین شروع کرده بودند را می خواهند قدم به قدم (البته هر چه سریعتر) به بخش های دیگر هم سرایت بدهند. البته مطمئن باشید که این کار را درکمال پر رویی و با شعارهای عوامفریبانه پیش خواهند برد. همانطور که گفتیم اسمش را گذاشته اند: هدفمند کردن یارانه ها. رئیس جمهور اسلامی می گوید که یارانه مورد نیاز صنایع (درواقع آن بخش از درآمدهای نفتی و ارزش افزوده ناشی از استثمار کارگران و زحمتکشان که از این راه به جیب سرمایه داری دولتی و خصوصی میرود) به صورت غیر مستقیم پرداخت خواهد شد. یعنی با ارائه آب و برق و تلفن و گاز ارزان، تعرفه های گمرکی پایین برای وارد کردن مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز آنها، و احتمالا ارائه نرخ های پایینتر برای گرفتن وام صنعتی و خرید ارز خارجی. اما برای توده های مردم، یارانه را می خواهند به شکل مستقیم و "هدفمند" بدهند. ظاهرا جمعیت را به ۱۰ بخش تقسیم کرده اند. سه بخش بالایی که قشرهای فوق مرفه و مرفه جامعه هستند را فعلا کنار می گذارند، در مورد سه بخش میانی هم دست نگه می دارند، و از چهار بخش پایینی که از همه محرومتر و آسیب پذیرترند شروع می کنند. البته رئیس جمهور همچنان به مرفه ترین ها هم قول می دهد که در ادامه طرح، از یارانه مستقیم بی نصیب نخواهند ماند! بگذریم از این که این قشر در واقع، اساس سهم یارانه ای خود را به شکل غیرمستقیم در بیزنس های ریزودرشتی که دارد دریافت می کند. همانطور که تاکنون انجام شده است.

دولت سرمایه دار روی "هدفمند" کردن یارانه خیلی تاکید می کند. رئیس جمهور می گوید مبلغ یارانه بر حسب نیازهای محاسبه شده افراد خانوارها (بر اساس اطلاعات پرسشنامه ای) به حسابشان ریخته خواهد شد و این کار را از ۴ دهک پایینی شروع می کنند. بگذارید يك تصویر رویایی از این طرح ارائه کنیم: دولت می آید از مردم می پرسد که در چه زمینه ای یارانه می خواهید؟ مردم هم جواب می دهند: مسکن، آموزش، خوراک، آب و برق و گاز و تلفن، بهداشت و درمان، تفریح و مسافرت و امثالهم. دولت می پرسد خانوار شما چند نفره است؟ و مردم مثلا می گویند ۴، ۵ یا ۶ نفره. دولت می گوید بسیار خوب، سهم شما بر حسب هرنفر از افراد خانوار، ماهیانه می شود ۱۰۰ هزار تومان. شماره حسابتان را بدهید تا اول هر برج به آن واریز کنیم. مردم هم تشکر می کنند و می روند پی کارشان و هر ماه درحالی که چند صد هزار تومان به درآمدها اضافه شده به خوبی و خوشی زندگی می کنند و دولت را هم دعا می کنند. اما ببینیم در واقعیت چه خواهد شد؟ دولت ارقام را جمع آوری خواهد کرد و بر مبنای بنیه مالی و اولویت های بودجه، یعنی بعد از کنار گذاشتن هزینه های سنگین و در حال افزایش نظامی و امنیتی و تبلیغاتی (رسانه های داخلی و متحدان خارجی) و کسرمخارج ریخت و پاش مقامات، رقم حداقلی را به عنوان سهم هر خانوار تعیین خواهد کرد. این رقم با توجه به تجربه ای که از عملکرد مالی - اقتصادی حکومت اسلامی در زمینه های مشابهی مثل بیمه داریم، معمولا بسیار کمتر از محاسباتی است که مردم در مورد دخل و خرج خود می کنند. سپس با به راه افتادن طرح، یارانه از روی مایحتاج عمومی و ابزار معیشت مردم برداشته

خواهد شد. البته بعید است که بتوانند این کار را یکمرتبه و سریع انجام دهند. اگر چه دولت واقعا تلاش می کند به این اقدام سرعت ببخشد. یعنی مردم چشم باز می کنند و در بازار، نه فقط با بنزین لیتری ۵۷۰ تا ۷۰۰ تومانی، بلکه با نان و روغن و برنج و گوشت و میوه و سبزی و پوشاک و اتوبوس و تاکسی و.... با قیمت های چند برابر و سرسام آور و روبرو می شوند. اول ماه به بانک می روند و می بینند آن مبلغ حداقلی که گفتیم و دولت محاسبه کرده به حسابشان ریخته شده است. احتمالا لبخند رضایت خواهد زدند. ولی در بازار می بینند که باز هم کم می آورند. یعنی مجموع درآمدهایشان که دولت با حساب و کتاب دیگری محاسبه کرده و قیمت کالاها که با حساب و کتاب دیگری تعیین شده، کماکان خوانایی ندارند. بنابراین به ناچار مصرف خود را کاهش می دهند. یکی از نکاتی که دولت اسلامی با افتخار به عنوان مزیت طرح "هدفمند کردن یارانه ها" از آن حرف می زند، اینست که پول را مستقیم به مردم می دهیم تا آن را هر جوری که خواستند و در هر زمینه ای که نیاز داشتند مصرف کنند. انگار دارند به مردم "کارت هدیه" بانک پارسیان می دهند! واقعیت اینست که اگر اجاره خانه عقب بیفتد، معنایش اینست که خورد و خوراک بچه ها قطع خواهد شد. چون والدین باید بین نان سنگ ۷۰۰ تومانی (غیر یارانه ای) با پرت شدن اثاثیه به کوچه و بی خانمان شدن یکی را انتخاب کنند.

اما مساله به اینجا ختم نمی شود. فرض کنید مبلغ یارانه مستقیم نقدی برای يك خانوار در سال ۱۳۸۸ (سال آتی)، ماهیانه ۳۰۰ هزار تومان تعیین شود. اما در سه ماه دوم سال ۱۳۸۸، نرخ تورم جهش کند و قیمت ها یکشنبه بالا برود. آیا فکر می کنید دولت می آید و مبلغ یارانه را هر سه ماه یکبار بر مبنای افزایش تورم، بیشتر می کند؟ آیا تا این اندازه خوش خیال هستید؟ توده های مردم، همان ۴ دهک پایینی که قرار است طرح از آنها شروع شود با يك چنین تکان اقتصادی، به خاک سیاه خواهند نشست و دستشان به هیچ جا بند نخواهد بود. دیگر در بازار حتی جایی هم نیست که بتوان نان ۱۰۰ تومانی پیدا کرد که لااقل فقط آن را خرید و سق زد. يك احتمال دیگر که با توجه به ماهیت حکومت اسلامی و تجربه دوران حیاتش اصلا احتمال بعیدی نیست، اینست که دولت گاه به گاه به علت کمبود منابع مالی و کسری بودجه و امثالهم، مبلغ یارانه ماهیانه را دیر به حساب بریزد. یا برای چند ماه این کار را به تعویق بیندازد. این چیزی است که آخر هر سال در مهلت پرداخت عیدی و مزایا برای قشرهای مختلف حقوق بگیر دولت، و یا در مورد حقوق ماهانه بازنشستگان اتفاق می افتد. فقط خودتان مجسم کنید، جامعه ای که دیگر در آن کالای یارانه ای موجود نیست و قیمت ها شکل نجومی (دلاری) به خود گرفته، و از آن طرف از یارانه مستقیم نقدی هم خبری نیست.

فکر نکنید این حرفها زیادی بدبینانه است و یا حدس و گمان هایی بعید است. نشانه ها و نمونه هایی از این نوع اقدامات در کشورهای تحت سلطه ای مانند ایران قبلا انجام شده، یا هم اینک در حال انجام است. نتیجه فوری اجرای این طرح ها، معمولا وقوع شورش های گرسنگان (یا به قولی شورش نان) بوده است. سوال اینست که آیا کارگران و زحمتکشان در ایران در برابر اجرای چنین طرح فلاکت زایی مقاومت و مبارزه خواهند کرد یا نه؟ آیا به نیروی عزم و اراده مبارزاتی خود، دولت سرمایه دار و طرح ریزان نهادهای جهانی را به عقب نشینی یا به تعویق انداختن اجرای این طرح ها وادار خواهند کرد یا نه؟ آیا وقوع شورش های نان در ایران محتمل نیست؟ اوضاع به سرعت در چنین جهتی در حرکت است. باید به این احتمالات فکر کرد و برای پیشبرد اهداف ضد استثمار و ضد ستمگرانه طبقه کارگر و تامین خواسته های بر حق توده های مردم، هر چه متحدتر و متشکل تر تدارک دید. فردا از آن طبقه کارگر است